



آنجا که شیون مادر، از آژیر بلندتر بود/وقتی موشک به انجمن پزشکی اصابت کرد اما درمان از نفس نیفتاد

انجمن‌های علمی پزشکی از ۱۲ روز مقاومت پشت جبهه درمان می‌گویند؛ جایی که هر تأخیر، هر اختلال، بهایش جان انسانی دیگر بود.

به گزارش وبدا، جنگ همیشه آن چیزی نیست که در خط مقدم می‌گذرد؛ گاهی در یک اتاق زایمان، گاهی در دستگاه دیالیز و گاهی در پشت در اتاق اورژانس، رخ می‌دهد.

اگرچه تاریخ، بیشتر از سربازان می‌نویسد، اما روایت واقعی جنگ را باید از مادران بارداری پرسید که در مهاجرت به انقباض افتادند، از پزشکی که در میان آوار جان داد، یا بیماری که زمان طلایی سکنه اش در دود و آژیر گم شد.

چند سال پیش کتابی خواندم با عنوان «جنگ چهره زنانه ندارد»، کتابی مستند از «سوتلانا الکسیویچ» نویسنده بلاروسی و برنده نوبل ادبیات، که با صدها زن روسی، از سرباز گرفته تا پرستار، تک تیرانداز و جراح نظامی، گفت و گو کرده و تصویر تازه ای از جنگ جهانی دوم ترسیم کرده بود.

تصویری که نه پر از فرماندهی و افتخار، که پر از زخم، اضطراب، نوزادانی که در خاک به دنیا آمدند، عشق‌هایی که بی سرانجام ماندند و بدن‌هایی که بی نام دفن شدند. الکسیویچ در این کتاب نشان می‌دهد جنگ، آن طور که تاریخ رسمی روایت می‌کند، فقط یک واقعه مردانه نیست. بلکه یک تجربه انسانی است که زنان هم، با تن و روان‌شان، در آن زیسته‌اند. روایت‌های او، چهره ناپیدای جنگ را از دل خاطرات زنان بیرون می‌کشد و نشان می‌دهد جنگ، صدای گلوله نیست، بلکه گاهی صدای جیغی خفه شده در آوار است.

در حملات ۱۲ روزه اخیر، جنگ اگرچه در خیابان بود، اما آثارش در رحم مادران در نوار مغزی بیماران، در تأخیر تزریق داروی شیمی درمانی، خودش را نشان داد. در این نبرد، گلوله‌ها به قلب سیستم سلامت اصابت کردند. اما نه با صدا، بلکه با سکوتی مهلک.

سلامت عمومی یکی از آسیب‌پذیرترین حوزه‌هایی بود که آثار آن بیش از همه بر بیماران خاص، مزمن و نیازمند مراقبت مستمر مشاهده شد.

در این گزارش مجموعه گفت‌وگوهایی که با رؤسا و دبیران انجمن‌های تخصصی صورت گرفته، تصویر دقیقی از اثرات پنهان جنگ بر سلامت عمومی کشور ارائه می‌دهد.

اضطراب مادران باردار و شهادت یک پزشک متخصص

دکتر سودابه کاظمی، رئیس انجمن علمی متخصصین زنان و زایمان ایران، در گفت‌وگو با وبدا، از افزایش قابل توجه اضطراب در زنان باردار هم زمان با آغاز حملات دشمن خبر داده است. به گفته او، کوچ اضطراری خانواده‌ها به شهرهای شمالی و صدای انفجارها، به حملات پنبک در مادران باردار منجر شد. در این شرایط بحرانی، اگرچه نظام سلامت تلاش کرد بدون وقفه به این گروه حساس خدمات رسانی کند، اما روند درمان برخی بیماران مختل شد.

او همچنین از شهادت تلخ دکتر زهره رسولی، متخصص زنان، به همراه همسر و نوزاد دوماهه اش در اثر اصابت مستقیم موشک به منزل مسکونی‌شان خبر داد؛ روایتی دردناک از خشونت مستقیم علیه خانواده سلامت کشور.

بیماران مغز و اعصاب/وقتی یک تصمیم شتاب زده می‌تواند فاجعه آفرین باشد

دکتر کوروش کریمی یارندی، بارزس انجمن جراحان مغز و اعصاب، با اشاره به ترک تهران توسط بسیاری از بیماران خاص گفت: «در بیماری‌های مغزی، لحظه تصمیم‌گیری حیاتی است؛ تشنج، خونریزی یا هیدروسفالی اگر در همان لحظه مدیریت نشود، جان بیمار را می‌گیرد.»

کریمی با هشدار نسبت به «خطای شناختی» ناشی از بزرگ‌نمایی ذهنی خطر، تأکید کرد که دور شدن بیماران از پزشک معالج و مراجعه به مناطق دورافتاده ممکن است روند درمان را مختل کرده و عوارض غیرقابل بازگشتی به دنبال داشته باشد. او خواستار آن شد که حتی در بحران، مشاوره با پزشک معالج پیش از هرگونه جابه‌جایی الزامی باشد.

سکنه مغزی؛ طلایی‌ترین زمان در سایه تردید

دکتر احسان شریفی پور، دبیر انجمن سکنه مغزی کشور، با انتقاد از اختلال در انسجام درمان سکنه‌های مغزی، گفت: درمان سکنه یک مسابقه با زمان است. هر دقیقه تأخیر، یعنی مرگ بیشتر سلول‌های مغز.

او با اشاره به فعالیت چهار مرکز جامع استروک در تهران، خواستار فعال ماندن حداقل دو مرکز بدون وقفه در شرایط بحران شد. او همچنین با تأکید بر آمادگی علمی انجمن سکنه مغزی برای ارائه پروتکل‌های بحران، آموزش عمومی و مانورهای تخصصی را راهکار پیشگیری از بحران‌های بزرگ‌تر در آینده دانست.

پیوند کلیه و توقف موقت برای حفاظت جان

دکتر فاطمه پوررضاقلی، دبیر انجمن علمی پیوند کلیه ایران، از تعلیق موقت عمل‌های پیوند در برخی مراکز مانند بیمارستان لبافی‌نژاد خبر داد و گفت: ایمنی بیماران در اولویت بود؛ انجام عمل در شرایط بمباران به صلاح نبود.

او با این حال تأکید کرد که روند درمان بیماران دیالیزی بدون حتی یک روز وقفه ادامه یافت و کادر درمان حتی برای بیماران مهاجرت کرده به شهرهای دیگر نیز پیگیری و پرونده الکترونیک در نظر گرفتند. او گفت: «همه‌ا یستادند. حتی یک روز میدان را خالی نکردیم.»

سرطان و تأخیر درمان یعنی بازگشت بیماری

دکتر علی مطلق، رئیس انجمن رادیوآنکولوژی ایران، با هشدار نسبت به عوارض تأخیر در درمان بیماران سرطانی، گفت: «در سرطان، زمان همه چیز است. وقفه در روند پرتودرمانی یا شیمی‌درمانی، می‌تواند به عود بیماری منجر شود.»

او از آمادگی کامل انجمن برای اجرای نسخه نویسی الکترونیک، ویزیت مجازی، نظام ارجاع و پرونده دیجیتال خبر داد و تأکید کرد که بسیاری از نیازهای درمانی قابل مدیریت از راه دور هستند. اما این زیرساخت، نیازمند همراهی فوری وزارت بهداشت است.

بیماران داخلی و مرگ خاموش قربانیان مزمن

دکتر ایرج خسرونی، رئیس انجمن متخصصان داخلی کشور، با اشاره به حملات مستقیم به مراکز درمانی، گفت: «حمله به بیمارستان، یعنی حمله به جان کسانی که در اوج ضعف جسمی، چشم به سیستم درمانی دارند.»

او تأکید کرد که قطع برق، تخریب زیرساخت ها و مهاجرت بیماران، باعث وقفه در درمان های حیاتی از جمله دیالیز، آندوسکوپی و اعمال جراحی شد. به گفته خسرونی، حتی یک تأخیر کوچک در بیماران مزمن می تواند به مرگ خاموش منجر شود. انجمن داخلی کشور نیز برای جبران این وقفه ها، سامانه های مشاوره آنلاین و پشتیبانی از راه دور را فعال کرده است.

حمله موشکی رژیم صهیونیستی به ساختمان انجمن علمی مغز و اعصاب ایران
رئیس انجمن مغز و اعصاب ایران با اشاره به حمله موشکی رژیم صهیونیستی به ساختمان انجمن علمی مغز و اعصاب ایران گفت: استرس های جنگی می تواند منجر به اختلال استرس پس از سانحه (PTSD) و بیماری های روان تنی شود.

دکتر محمود معتمدی رئیس انجمن بیماری های مغز و اعصاب ایران نیز با اشاره به شرایط بحرانی اخیر کشور و حمله و جنایات رژیم صهیونیستی به نقاطی در کشور و پایتخت، از آسیب جدی به محل استقرار این انجمن در تهران بر اثر حمله موشکی رژیم صهیونیستی خبر داد.

وی اظهار داشت: متأسفم که کشور عزیزمان در چنین شرایطی هدف هجوم دشمنان بیگانه قرار گرفته است. واقعیت این است که انجمن ما، نهادی تخصصی و غیرسیاسی در حوزه سلامت است و نه نیروی نظامی و نه وابسته به هیچ ساختار سیاسی یا امنیتی.

دکتر معتمدی یادآور شد: متأسفانه ساختمانی که انجمن در آن مستقر بود در مجاورت ساختمانی قرار داشت که به نظر می رسد هدف حمله موشکی یا پهبادی دشمن قرار گرفت و در نتیجه، آپارتمان محل استقرار انجمن مغز و اعصاب دچار آسیب جدی شد، به گونه ای که دیگر امکان برگزاری جلسات و ادامه فعالیت های عادی در آن محل وجود ندارد.

آنچه در جنگ ۱۲ روزه اخیر میان آژیرها و انفجارها رقم خورد، تنها محدود به تلفات مستقیم نبود؛ بلکه شبکه ای از اختلال های درمانی، آسیب های روانی، وقفه های دارویی و اختلال در روندهای تخصصی در قلب نظام سلامت کشور شکل گرفت.

نظام سلامت کشور اگرچه با تمام ظرفیت در میدان باقی ماند و تلاش کرد از بحران عبور کند، اما این تجربه بار دیگر ضرورت برنامه ریزی فوری برای شرایط اضطراری، آموزش همگانی، تقویت زیرساخت ها، فعال سازی نسخه نویسی و ویزیت مجازی و حفظ انسجام درون سازمانی در بحران ها را گوشزد می کند.

سلامت، همیشه پشت خط مقدم است. اما همان جا، سکوتی در حال فروریختن است که اگر شنیده نشود، می تواند از هر انفجاری ویرانگرتر باشد.